



به زندگی من خوش نیامدید!

منش معلمی و مهارت ارتباط میان فردی

دکتر لیلا سلیقه‌دار
معلم و جویشرک‌تعلیم و تربیت

زندگی شخصی و حرفه‌ای

همه ما تجربه داشتن معلم مهربانی را داشته‌ایم که از صحبت کردن با او لذت برده‌ایم و دوست داشته‌ایم بیشتر با او در ارتباط باشیم. برخی از ما بیشتر شگفت‌زده رفتار و زندگی او بودیم و دلمان می‌خواست بیشتر بدانیم او چگونه زندگی می‌کند، کجا ساکن است و چه خانواده‌ای دارد؟

شخصی است، اما به اشتراک گذاشتن آن‌ها با دانش‌آموزان منعی ندارد. برای مثال، در محیط‌های کوچک که ارتباط اهالی با هم نزدیک و بسیار است، دانش‌آموزان در جریان اطلاعات زیادی از معلم هستند، بدون اینکه معلم بخواهد در این باره تصمیم بگیرد یا اقدامی کند. بنابراین، در تعیین میزان اطلاعات اشتراکی معلم با مخاطبان عوامل گوناگونی تأثیرگذارند. با این همه، معلم می‌تواند با توجه به چارچوب‌های مهم در روند حرفه‌ای خود تصمیم بگیرد دربارهٔ کدام بخش از اطلاعات شخصی خود صحبت کند.

تجربهٔ کلاس

همان روز اولی که وارد کلاس شد، با نام و نام خانوادگی و نیز قید ماه تولد، توجه دانش‌آموزان را به خود جلب کرد. بعد هم همهٔ ما را برای اینکه در جشن تولدش شرکت کنیم، به حضور در برنامهٔ صبحگاه یکی از روزهای آینده دعوت کرد. گفت آن روز می‌خواهد داستان زندگی‌اش را برایمان تعریف کند. برای همهٔ ما جالب بود که در ابتدای آشنایی‌مان چنین تصمیمی گرفته بود، چون بیشتر معلمان تمایل داشتند این قبیل اطلاعات را فقط با عدهٔ خاصی از دانش‌آموزان به اشتراک بگذارند یا بعد از اینکه بیشتر آشنا شدند، در صورت اصرار بچه‌ها مطرح کنند.

روز برنامهٔ تولد که رسید، پذیرایی خوبی از دانش‌آموزان شد: کیک‌های کوچک یک نفره، میوه و خوراکی‌هایی که معمولاً در جشن تولدها با آن‌ها پذیرایی می‌کنند. همین کار باعث شد حس واقعی‌تری دربارهٔ تولد او داشته باشیم. روی سکوی برنامه رفت و بعد از احوال‌پرسی اولیه از ما خواست در داستان زندگی‌اش همراهش شویم. او ادامه داد متولد مهرماه است، اما مثل همه فقط یک تاریخ تولد ندارد. او سه بار به دنیا آمده و همهٔ آن‌ها در مهر رخ داده‌اند! یکی وقتی پا به این جهان گذاشته است، دیگری زمانی که به خاطر پدر جانبازش در مهرماه با مفهوم دفاع مقدس آشنا شده و آخری به موقعی مربوط است که لباس معلمی پوشیده و در مهرماه به کلاس درس رفته است.

سپس داستان فراز و فرود زندگی را در قالب اتفاقات مربوط به دختر یک جانباز و نیز معلم شدن خود تعریف کرد و همهٔ مخاطبان را در روزی که با هوشمندی تمام و ظرافت بسیار به روز تولد خود نسبت داده بود، با خود همراه کرد. این زیباترین گرامیداشت هفتهٔ دفاع مقدس و درعین حال بهترین حالی بود که از شنیدن اطلاعات زندگی شخصی معلم دریافت کردم. حالا که معلم هستیم، این خاطره برای من الگوست.

البته این تجربه‌ها برای دانش‌آموزان در هر دورهٔ زمانی متفاوت است. برای مثال، در زمان‌های گذشته، آن قدر ارتباط معلم و دانش‌آموز مبهم بود که گاهی تصور اینکه معلم مثل سایر انسان‌ها زندگی می‌کند نیز بسیار پرچالش و کنجکاوانه بود. این در حالی است که اکنون دانش‌آموزان با آزادی عمل بیشتر و به‌صورتی واقعی‌تر با معلمان خود ارتباط برقرار می‌کنند و چندان درگیر موضوعات تخیلی و غیرواقعی نیستند. در چنین شرایطی، معلمان تا چه اندازه می‌توانند زمینهٔ آگاهی دانش‌آموزان را از امور شخصی یا حرفه‌ای خود فراهم آورند؟ چه مقیداتی در این باره حاکم است؟ شما تا چه اندازه برای خود محدودیت در نظر گرفته‌اید؟ به گزاره‌های زیر توجه کنید و به آن‌ها پاسخ دهید:

شما چگونه فردی هستید؟

- اتفاقات و رخداد‌های کاری و حرفه‌ای‌ام را با دانش‌آموزان در میان می‌گذارم؟
- دربارهٔ موضوعات مربوط به زندگی شخصی‌ام با دانش‌آموزان صحبت می‌کنم؟
- در ارتباط با همکاران، تنها موارد کاری و مشترک را به اشتراک می‌گذارم؟
- از اینکه دانش‌آموزان بخواهند برای ارتباط بیشتر با من اطلاعاتی کسب کنند و بیشتر مرادوه داشته باشند، استقبال می‌کنم؟

پاسخ شما به هر یک از سؤالات یادشده، نمایندهٔ بخشی از واکنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های شما در محدوده‌های ارتباط با دانش‌آموزان و همکاران است. هر یک از سؤالات در این نوشتار مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد. در هر زمینه، ابتدا پاسخ و رفتار خود را مورد نظر قرار دهید و سپس با نگاه نقادانه مطالب را مطالعه کنید.

من متولد مهر هستم!

وقتی از اطلاعات و حریم شخصی صحبت می‌شود، ممکن است میان موارد گوناگون در این باره اختلاف نظر وجود داشته باشد. در نگاه سختگیرانه‌تر، نام کوچک و گاهی تاریخ تولد از جمله مواردی هستند که در حریم ناگفتنی‌های معلم جای دارند. این در حالی است که در برخی فرهنگ‌ها نام و تاریخ تولد یا حتی محل زندگی و اطلاعات دیگری از این دست، هر چند در زمرهٔ اطلاعات

در ارتباط معلم با والدین، حفظ حریم شخصی معلم بسیار اهمیت دارد، زیرا در نهایت، معلم ولی دانش‌آموز نیست و نیاز است در جایگاه درستی از اعتبار تربیتی برای خانواده قرار گیرد

تا چه اندازه با این سیاست رفتاری موافق هستید؟

در شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان، از مهم‌ترین عوامل و نشانه‌های موفقیت معلم این است که هر تصمیم و اقدام به حفظ امنیت روانی دانش‌آموز کمک کند و در عین حال در راستای اهداف آموزشی و تربیتی باشد. این موضوع بسیار گسترده و پراهمیت است که آموزش از تربیت جدا نیست و معلم نمی‌تواند یک هدف آموزشی را فدای مقصود تربیتی کند یا برعکس. برای مثال، اینکه صرفاً برای جلب توجه دانش‌آموزان به درس اقداماتی انجام دهد و به آسبایی که ممکن است این کار به امنیت روانی آن‌ها وارد کند توجهی نداشته باشد، به هیچ وجه قابل قبول نیست.

من ولی دوم دانش‌آموزان نیستم!

بسیار شنیده‌اید که در آداب و متون ادبی از معلمان به‌عنوان مادر یا پدر دیگر دانش‌آموزان یاد می‌کنند. جدای از حس عاطفی و ارزش‌گذاری مهم این مقام برای معلمان، باید گفت، مقصود از نسبت‌دادن مقام مادر و پدر به مقام معلمی، لزوماً ایجاد ارتباط عاطفی نیست. مقام تربیت به گونه‌ای است که مادر، پدر و معلم را در رتبه‌مربی قرار می‌دهد. از این حیث ارتباط به‌درستی شناسایی شده است.

برخی معلمان به اشتباه خود را در جایگاه مادر و پدر دانش‌آموز قرار می‌دهند. گاهی ممکن است تداخلات و مشکلاتی نیز در این شرایط به وجود آید که غالباً از نوع مراوده آن‌ها با یکدیگر است. برای مثال، هنگامی که معلم شیوه تربیتی والدین را نقد می‌کند و اشتباهات آن‌ها را از دیدگاه شناخت و برداشت‌های تربیتی خود یادآوری می‌کند، اختلاف میان مربیان می‌تواند خسارت‌های تربیتی بیشتری در پی داشته باشد.

معلم عهده‌دار تربیت و آموزش طبق چارچوب‌های ارزشی آموزش و پرورش و مدرسه است و نمی‌تواند در جزئیات تربیتی مربوط به خانواده و والدین دخالت کند یا برداشت‌های شخصی خود را تعمیم دهد. همچنین، به‌صورت متقابل، حرفه‌مندی معلم اقتضا می‌کند در تعامل با خانواده، مراقبت از آنچه را به حریم او و اتفاقات شخصی مربوط است داشته باشد و لزوماً با وجود اینکه همه در یک مجموعه و به مثابه خانواده در کنار هم قرار دارند، آن را مبنای نادیده‌گرفتن حریم شخصی خود تلقی نکنند.

ممکن است این پرسش در ذهن شما هم شکل بگیرد که با وجود شبکه‌های اجتماعی و ایجاد ارتباط‌های مجازی افراد با یکدیگر، آیا همچنان برای حفظ اطلاعات شخصی و نگهداری چارچوب‌های مربوط به آن در کلاس درس لزومی وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال، یکی از شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان را نشانده‌گیری می‌کند. ممکن است دانش‌آموزان درباره وضعیت زندگی معلم اطلاعات بسیاری داشته باشند، اما اهمیت دارد که معلم تا چه اندازه در اشتراک این اطلاعات سهم دارد و نیز بر حقوق خود در ایجاد ارتباط همراه با فاصله‌ایمن واقف است.

تجربه کلاسی

در یکی از بازدیدهای کلاسی، به‌عنوان ناظر آموزشی در پایه ششم حضور داشتم. معلم پس از مقدمات اولیه شروع کرد به طرح یکی از مشکلات مربوط به خودش. او گفت: «دیشب با همسرم جروب‌بحث داشتیم و امروز اصلاً حال خوبی ندارم. او مدام با من مخالفت می‌کند. معمولاً هم کارش به بحث و جدل می‌کشد و در نهایت بی‌خوابی‌هایی را در پی دارد. بنابراین، از شما می‌خواهم امروز اصلاً درباره هیچ موضوعی بحث نکنید و خستگی مرا تحمل کنید!» بعد هم درس را ارائه داد. از شیوه پیش‌سازمان‌دهنده استفاده کرد و حجم زیادی از درس را در همان جلسه، با تکیه بر روش انتخابی خود، پوشش داد. جای تحسین داشت که هوشمندانه روش تدریس را انتخاب کرده بود تا بتواند به مقصود آموزشی خود که تدریس مطالب بسیار بود، برسد. اما اصلاً روشن نبود چرا موضوع اختلاف خانوادگی را مطرح کرده بود. این ابهام را در جلسه گفت‌وگو مطرح کردم. او گفت بچه‌ها در جریان زندگی من هستند و این اولین بار نیست که این اتفاق رخ داده و من معمولاً این موضوعات را به دانش‌آموزانم می‌گویم، چون باعث می‌شود بسیار بیشتر از گذشته با من همراهی کنند و توجه نشان دهند!

معلم به ارائه یا گفت‌وگو دربارهٔ اطلاعات شخصی دانش‌آموزان مجاز نیست، زیرا ممکن است جایگاه و اثرگذاری تربیتی او مخدوش شود

از اهمیت بسیاری برخوردارند. رعایت سلسله‌مراتب سازمانی، تعیین و پایبندی به خطوط انتظارات و وظایف سازمانی از دیگر مواردی هستند که در آداب تعامل سازمانی قرار دارند. نکتهٔ مهم در این باره، تأکید بر ارتباط حرفه‌ای است. در هر زمینهٔ کاری، تعاملات حرفه‌ای در اولیبتی بالاتر از دوستی‌ها و ارتباط صمیمی میان همکاران قرار دارند. به عبارت دیگر، ارتباطات شخصی و دوستی‌های میان همکاران ارزشمند و قابل احترام است، به شرط اینکه وظایف سازمانی و تعاملات حرفه‌ای نادیده گرفته نشوند و به آن‌ها لطمه‌ای وارد نشود.

تجربه در مدرسه

بعد از دو دهه تدریس در مدرسه‌های متعدد، به مدرسه‌ای منتقل شدم که از سال‌های قبل به کسب تجربه در آن تمایل داشتم. یکی از دلایل این تمایل، همکاری میان معلمان بود که معمولاً در زمینهٔ درس کاوی و درس پژوهی تجربه‌های خوبی را رقم زده بودند. من هم تصمیم داشتم این فعالیت را در مدرسه دنبال کنم. با دو همکار هم‌رشته در یک گروه قرار گرفته بودیم و موضوعی که در نظر داشتم، تنها با تعامل با همکاران هم‌رشته امکان‌پذیر بود. اما متأسفانه این دو همکار با هم قهر بودند! کمی که بیشتر در مورد آن‌ها دانستم، متوجه شدم بسیار با هم صمیمی بودند و سال‌های زیادی هم در این مدرسه همکاری کرده بودند. دلیل قهر و جدایی سرسختانهٔ آن‌ها هم این بود که یکی از آن‌ها دربارهٔ زندگی شخصی طرف مقابل نظرانی داده بود و البته اطلاعات آن را از همان همکار دریافت کرده بود. اما این گفت‌وگو و نظرات به عقیدهٔ همکار دیگر نوعی فضولی بود و به همین دلیل تصمیم به ترک رابطه گرفته بود، غافل از اینکه ارتباط میان آن‌ها بیش از هر چیزی رابطهٔ کاری و حرفه‌ای بود و نمی‌توانستند به خاطر روابط شخصی تعامل سازمانی را هم نادیده بگیرند. در هر حال، تمام تلاش من برای ایجاد و ترمیم ارتباط کاری میان این دو نفر بی‌نتیجه ماند و در نهایت موفق نشدم مقصود اصلی از این جابه‌جایی را که انجام یک فعالیت حرفه‌ای بود، محقق کنم.

اطلاعات شخصی معلم

برای والدین: در حد شناخت انتظارات آموزشی و تربیتی	برای همکاران: در حد ایجاد ارتباط و تعامل حرفه‌ای	برای دانش‌آموزان: در حد شناخت معلم و ایجاد ارتباط اولیه
---	--	---

تجربه در مدرسه

یکی از همکاران به خوش‌خلقی و ارتباط خوب با همهٔ والدین معروف بود. تازه به این مدرسه آمده بود و به گفتهٔ خودش در مدرسهٔ قبلی با سختی زیادی از خانواده‌ها جدا شده بود، زیرا او را بسیار دوست داشتند و نمی‌خواستند از مدرسه بروند. اما او به دلیل جابه‌جایی منزل چارهٔ دیگری نداشت.

مدتی از حضور او گذشته بود. غالباً در مهمانی‌هایی که والدین برگزار می‌کردند شرکت می‌کرد و در عین حال گاهی خودش میزبان این مهمانی‌ها می‌شد. خانوادهٔ او هم متأثر از این رخدادها، ارتباطات زیادی را با خانواده‌های دیگر تجربه می‌کردند. در یکی از دوره‌های ما که به اتفاق چند خانواده در حاشیهٔ شهر برگزار شده بود، برخی از والدین که قبلاً زمینهٔ اختلاف داشتند، به مشاجره و در ادامه دعوا رسیدند. معلم مورد نظر هم چاره‌ای جز ورود به بحث نداشت. در نتیجه به بخشی از این رخداد ناخوشایند تبدیل شد. بالاخره به هر تربیتی بود دوره‌ای با دلخوری و ناراحتی به هم خورد و هر خانواده به راه خود رفت.

بعد از آن معلم متوجه شد برخی اطلاعات شخصی و محرمانهٔ او در حال انتشار است. برخی اطلاعات هم دستکاری شده‌اند و اخبار نادرست و نامطلوبی دربارهٔ او، همسرش و خانواده‌اش در شهر شایع شده است. این اتفاق تأثیر مخربی بر حرفهٔ او در مدرسه و نیز موقعیت اجتماعی فرزندان و همسرش گذاشت تا جایی که در نهایت مجبور به انتقال و مهاجرت به شهر دیگری شد.

نکتهٔ مهم این است که دانش‌آموزان در مدرسه نیز پس از آن اتفاق و همراه با شایع‌شدن برخی اطلاعات و اخبار دربارهٔ ایشان، او را مقبول نمی‌دانستند و نه تنها از او پیروی نمی‌کردند و حرف او را نمی‌پذیرفتند، بلکه بارها پیش آمد که به نوشتن روی در و دیوار یا حتی به‌زبان آوردن برخی موارد در خصوص اطلاعات شخصی او، به‌نوعی او را زیر سؤال می‌بردند. در واقع جایگاه تربیتی و آموزشی او از اعتبار لازم افتاده بود.

تعامل سازمانی در مدرسه

در دوره‌های گوناگون تحصیلی و نیز در مدرسه‌های متعدد، براساس ارتباطی که میان معلمان و همکاران شکل گرفته است، معمولاً قوانین نانوشته‌ای وجود دارند که همانند یک فرهنگ با آن مدرسه همراه است. ممکن است تعدادی از همکاران سال‌ها در یک مدرسه در کنار هم باشند و به یک خانواده تبدیل شوند. در این شرایط کمتر می‌توانیم فاصله‌های مربوط به افراد را در خصوص اطلاعات شخصی با شدتی که مورد انتظار است، دریافت کنیم. با این همه، قوانین مرتبط با سازمان و تعاملات سازمانی